



درس خارج فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۲ آبان ۸۹

موضوع کلی: مسئله اول

مصادف با: ۱۶ ذی القعدة ۱۴۳۱

موضوع جزئی: ترتیب بین ابدال ثلاثه

جلسه: ۱۹

«الحمد لله رب العالمین وصلى الله على محمد وآل الطاهرین واللعن على اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته:

معلوم شد که وجوب عقلی است و ملاک آن چیست و وجوب آن تخییری است و حصر آن هم حصر استقرائی است و منحصر به موارد علم اجمالی هم نیست و حتی در موارد احتمال تکلیف قبل از فحص هم این مسئله و وجوب عقلی به قوت خودش باقی است.

ترتیب بین ابدال ثلاثه:

سؤال این است که ترتیبی بین این امور ثلاثه وجود دارد یا نه؟ یعنی مثلاً بگوییم احتیاط مقدم بر اجتهاد و تقلید است، یا به عکس اجتهاد و تقلید مقدم بر احتیاط هس تند یا اجتهاد مقدم بر تقلید است؟ در اینجا در دو مقام بحث داریم. مقام اول در مورد ترتیب بین احتیاط از یک طرف و اجتهاد و تقلید از طرف دیگر است که آیا احتیاط نسبت به اجتهاد و تقلید تقدم دارد و یا مسئله به عکس است. مقام دوم در مورد ترتیب و تقدم و تأخر بین خود اجتهاد و تقلید است. ولی قبل از ورود به بحث لازم است چند مطلب را متذکر شویم.

تذکر چند مطلب:

مطلب اول: بحث از ترتیب بین این امور ثلاثه مبتنی بر یک مسئله است و آن اینکه تخییر بین امور ثلاثه را تخییر عقلی ندانیم؛ سابقاً بیان کردیم وجوب ابدال ثلاثه عقلی است و مسئله تخییر عقلی را در این وجوب ثابت کردیم، دلیل شرعی نگفته که اجتهاد یا احتیاط یا تقلید بر شما واجب است مثل دلیل شرعی که در مورد کفارات ثلاث وارد شده است که در آنجا تخییر شرعی است اما در اینجا تخییر عقلی است.

وقتی که بگوییم این تخییر عقلی است دیگر بعد از فرض عقلی بودن تخییر بحث از ترتیب معنا ندارد، در تخییر عقلی آنچه مهم است این است که یک قدر جامعی بین اطراف تخییر وجود دارد و آنچه برای عقل مهم است وصول به قدر جامع است حالا چه از راه اول باشد یا راه دوم یا راه سوم بخلاف تخییر شرعی، در این تخییر بین اطراف تخییر قدر جامع وجود ندارد لذا آنجا امکان ایجاد یک ترتیب بین اطراف تخییر هست.

اینجا بین این خصال ثلاث قدر جامعی نیست، سه وظیفه را شرع به عنوان کفاره مشخص کرده است می تواند ترتیب را هم در بین اینها قرار دهد اما در جایی که تخییر عقلی باشد دیگر نمی توان سخن از ترتیب به میان آورد. عقل یک ملاکی را در نظر گرفته است و این ملاک را در اطراف تخییر حاصل می بیند لذا فرقی برای عقل نمی کند تقدم و تأخری بین اطراف

تخیر نمی‌بیند. مانند حصول مؤمن از عقاب در اینجا عقل به ملاک دفع عقاب محتمل حکم کرده به لزوم اجتهاد یا احتیاط یا تقلید و قدر جامع اینها از دید عقل این است که اینها مؤمن از عقاب هستند.

سؤال: در کفارات ثلاث هم می‌توان قدر جامع تصویر کرد و همین‌طور در بقیه موارد تخیر شرعی.

استاد: قدر جامعی که می‌گوییم در آنجا خود عقل ابتدا این جهت را تصویر کرده و ملاک دفع ضرر محتمل را در نظر گرفته و بر ما لازم کرده از هر راهی که ممکن است این عقاب محتمل را دفع کنیم. حصول امن از عقاب قدر جامع ابدال ثلاثه است. اما در اینجا واقعاً بین این سه خصوصیت چه قدر جامعی وجود دارد؟ در نماز ظهر و نماز جمعه کسانی که قائل به وجوب تخیری هستند و هیچ ترتیبی هم از دید شرع در بین این دو لحاظ نشده چه قدر جامعی بین این دو وجود دارد، نگاه به این نشود که هر دو صلاة است و «الصلاة تنهى عن الفحشاء والمنکر».

قدر جامع که گفته می‌شود این قدر جامع به لحاظ خود عقل است. اما در اطراف تخیر شرعی قدر جامع نیست. یعنی شارع از اول آنچه که به عنوان کفاره قرار داده خود این افراد و اطراف است و نمی‌آید بگوید من کسی که افطار عمدی کند عقوبت می‌کنم و عقوبتش این سه می‌باشد بلکه از اول وجوب را بر روی اطعام ستین مسکین یا شصت روز روزه یا عتق رقبه قرار داده است. در مورد اطراف تخیر عقلی گفته می‌شود اینها مؤمن از عقاب هستند یعنی خود ابدال ثلاثه مؤمن از عقاب هستند و عقل چیزی غیر از این درک نمی‌کند و این‌طور نیست که یک حکمی باشد عقل یک درکی بکند و رای آن و یک هدفی از این درکش باشد، در محدوده شرع یک انشائی از ناحیه شارع صورت می‌گیرد و رای این انشاء و بعث غایتی است و مصلحتی است که این برای رسیدن به آن مصلحت یا اجتناب از مفسده است.

اگر قرار باشد مصالح قدر جامع باشد این قدر جامع بین تمام تکالیف شرعی هست و همه تکالیف شرعی طرف تخیر می‌باشند اینکه همه تکالیف انسان را در مسیر دستیابی به مفسد قرار می‌دهد و از مصالح دور می‌کند، این نیست پس ملاحظه کنید اینکه می‌گوییم در اطراف تخیر عقلی قدر جامع وجود دارد، اصلاً خود درک عقل و حکم عقل یعنی لزوم تحصیل مؤمن از عقاب و گرنه عقل که نیامده اجتهاد و تقلید و احتیاط را نشان بدهد عقل یک درک دارد و آن لزوم ایمن بودن از عقاب است و این ابدال ثلاثه از باب گذاشتن چند مطلب در کنار یکدیگر است: علم اجمالی به تکالیف، باید تکالیف را بشناسی و امتثال کنی و هر چیزی که موجب ترک امتثال شود سر از احتمال عقاب در می‌آورد، از آن طرف تا ما تکالیف را بشناسیم همی توانیم امتثال کنیم و اینکه راه شناخت این تکالیف این سه تا است این را عقل نمی‌گوید و با این مقدمات، این نتیجه را می‌گیریم لذا گفتیم حصر آن استقرائی می‌باشد و حصر عقلی نیست.

مهم این است که وقتی می‌گوییم باید احکام را بشناسیم معرفت احکام و شناخت احکام یا از طریق علم وجدانی است یا از طرق دیگر.

اینکه ما باید از خودمان احتمال عقاب را دفع بکنیم، این حکم عقل است منتهی ما می‌بینیم که چون مؤمن از عقاب در این موضوع بدون این ابدال ثلاثه امکان ندارد عقل می‌گوید این ابدال ثلاثه لازم و واجب است. تخیر هم عقلی است چرا

که برای عقل فرق نمی‌کند و یک چیز می‌گوید و آن لزوم ایمن شدن از عقاب است. پس قدر جامع وجود دارد و وقتی بحث قدر جامع مطرح شد ترتیب معنا ندارد.

پس در درجه اول عرض کردیم که ترتیب امور ثلاثه در فرض تخییر عقلی وجهی ندارد، اگر ما قائل به تخییر عقلی نشدیم و گفتیم یا لغوی یا شرعی در آن وقت جای این بحث است.

مطلب دوم:

مطلب دیگر اینکه احتیاطی که در اینجا به عنوان یکی از ابدال ثلاثه محل بحث است دو خصوصیت باید داشته

باشد:

خصوصیت اول: یکی اینکه اساساً احتیاط امکان داشته باشد، از قبیل دوران بین محذورین که احتیاط در او ممکن نیست نباشد برای اینکه احتیاط اگر ممکن نباشد دیگر جای این نیست که بخواهد به عنوان عدل اجتهاد و تقلید قرار بگیرد.

خصوصیت دوم: اینکه این احتیاط مشروع باشد چون بعضی از انواع احتیاط موجب عسر و حرج یا اختلال به نظام

است و اگر احتیاطی منجر به اختلال نظام و عسر و حرج بشود می‌توان ادعا کرد این احتیاط مشروع نیست، یا اگر این مطلب را نگوئیم که مشروع نیست حداقل این است که این احتیاط واجب نیست. پس این دو مطلب در مقدمه و ابتدای بحث لازم به ذکر بود اول اینکه ترتیب بین اجتهاد و تقلید و احتیاط در فرضی صحیح است که ما قائل به تخییر عقلی نباشیم و دوم اینکه این احتیاط محل بحث طبیعتاً اولاً باید امکان داشته باشد و ثانیاً باید مشروع باشد.

با ذکر این دو نکته در این بحث در دو مقام وارد می‌شویم:

مقام اول: اینکه آیا بین احتیاط از یک طرف و بین اجتهاد و تقلید از طرف دیگر ترتیب وجود دارد یا نه؟ احتیاط را

یک طرف و آن دو را طرف دیگر قرار می‌دهیم، این دو طرف را با هم مقایسه می‌کنیم.

مقام دوم: اینکه بین خود اجتهاد و تقلید آیا ترتیب وجود دارد یا ندارد؟ اما در پاسخ به اینکه فرمودید چرا ابتداءً

احتیاط را با آن دو مقایسه می‌کنیم و بعد آن دو را با هم مقایسه می‌کنیم شاید علت آن این باشد که اساساً احتیاط در واقع راهی برای معرفت احکام نیست و یک نوع امتثال و طریقی برای امتثال است لذا بعضی‌ها از یک جهت گفته‌اند احتیاط مؤخر است و بعضی دیگر گفته‌اند چون احتیاط موجب یقین است مقدم است، لذا از این باب در دو مقام بحث می‌کنیم اصلاً جنس احتیاط متفاوت با آن دو می‌باشد.

پس مقام اول بحث این است که آیا بین احتیاط در یک طرف و بین اجتهاد و تقلید از طرف دیگر ترتیب وجود

دارد یا ندارد؟ و مقام دوم در ترتیب بین خود اجتهاد و تقلید است؟

مقام اول ترتیب بین احتیاط و بین اجتهاد و تقلید:

سه قول در این مسئله وجود دارد:

قول اول: اینکه احتیاط بر اجتهاد و تقلید مقدم است.

قول دوم: این است که اجتهاد و تقلید بر احتیاط مقدم است.

قول سوم: این است که هیچ کدام بر یکدیگر تقدمی ندارند.

ادله قول اول و قول دوم را بررسی می کنیم اگر این ادله وافی به مقصود نبود و نتوانست تقدم احتیاط را بر اجتهاد و تقلید ثابت کند یا به عکس دیگر برای عدم ترتیب نیاز به دلیل نداریم و رد ادله آنها باعث اثبات قول سوم می شود که دیگر نیاز به ذکر دلیل نخواهد بود گرچه می توان از لابه لای رد ادله قول اول و دوم دلایلی را استفاده کرد.

بحث جلسه آینده: اما قول اول: که احتیاط بر اجتهاد و تقلید مقدم است، برای این تقدم مجموعاً سه دلیل وارد شده

است که چه بسا بتوان به یکی برگرداند یا به بیانی دیگر اینکه سه بیان برای یک دلیل باشد. که در جلسه آینده این سه دلیل را بررسی خواهیم کرد.